ما و پیام آقای دکتر داوری- ۳

شماره پرسش: ۳۷۸۹۳

تاریخ ارسال پرسش: ۰۹:۴۹:۱۹ ۱۴۰۳/۴/۱۳

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی: همه پرسشهایی که در مورد تایید آقای پزشکیان در سایت بود مطالعه کردم و از روی محبت و خیرخواهی چند نکته عرض می‌کنم: ۱.نامه حمایت آقای داوری تاریخ دارد، ۱۲ تیر ۱۴۰۳ پس این توجیه که دکتر داوری پزشکیان قبل را تایید کرده منتفی است. ۲. در متنی که ارجاع دادید که بخوانیم که توسط آقای ... نوشته شده و در کانال وارستگی هست، نکته آزاردهنده‌ای به نظرم آمد که لازم دانستم بالاخره مطرح کنم. اینکه بنویسند آنان که با سخن فلسفه آشنا نیستند شاید ندانند که ما با سخن فیلسوف در چه شور و شعفی حاضریم، دقیقا بوی همان تحجری را می‌دهد که آقای داوری بعد از انقلاب حس کردند و شاید تحجری باشد بسیار نامحسوس، شاید کسی زبان فلسفه را بداند و اتفاقا به همین دلیل درک کند که چقدر حب و بغض بر روی اندیشه اثرگذار است و الا استاد داوری بعد از ۹۰ سال عمر بصیرتی کمتر از بچه‌های انقلابی فلسفه نخوانده اما روشن ضمیر نداشتند و کسی که در دلدادگی به ایشان است نخواهد که بپذیرد که می‌شود استاد داوری عزیز هم اشتباه کند و بازی بخورد و هرکس با این موضع‌گیری ایشان مخالف است و از این‌همه کتاب خواندن سرخورده شده، بی‌تفکرِ بی‌سواد! فلسفه نفهم نیست. استاد ما می‌دانیم که قاطبه مردم نه استاد داوری را می‌شناسند نه با حمایت او رای شان تغییر می‌کند من این سطور که برایم مثل رنجنامه است را نوشتم تا عرض کنم ما با تعصبِ در تفکر مواجهیم اگر شما هم این خطر را حس نکنید و رفاقت شما با آقای .... اجازه ندهد که به ضعف بصیرت استاد داوری و کسانی که از سر محبت و دلدادگی به ایشان لغزش را کمال توصیف کنند نبینید ما از احساس تنهایی در عالم اهل فکرهای انقلاب دق می‌کنیم اشکال اصلی نامه استاد داوری حمایت از پزشکیان که ۱۷ خرداد ۱۴۰۳ میثاق‌نامه جبهه اصلاحات برای حضور در انتخابات را امضا کرده و هرکس بگوید تو نامزد اصلاحات هستی را دروغگو می‌داد، نیست اشکال نامه استاد داوری شباهت محتوایی به نامه آقای هاشمی رفسنجانی در خرداد ۸۸ است اینکه اگر مشارکت کم باشد کار به ناآرامی می‌کشد: «زیرا نتیجه زودهنگام آن مي تواند افتادن کشور به راه ستیزه ها و کشمکشهای خطرناک و غفلت از گرفتاریها و مشکلات و دوام پریشانی و فساد باشد.» و پارگراف قبل آن: «اکنون رأی می دهیم که آیا ایران بماند و بکوشد بعضی دردهای مهلکی را که دچارش شده است درمان کند یا به راه وخیم تر شدن آن دردها و گرفتاریها و افتادن در ورطه های خطرناک جنگ و ویرانی برود.» که بوی تهدید و گرا برای نا آرامی و نابودی ایران می‌دهد. مگر ایران با یک مشارکت کم یا با یک انتخاب نادرست نابود می‌شود؟ استاد واقعا این متن و قلم یک استاد فلسفه است؟ همو که سال گذشته جمله به جمله کتاب آزادی قانون

سازمان اش را با حوصله با هم خواندیم؟ کاش تفکر از تعلق‌های فردی و جناحی آزاد می‌شد و تنها در خدمت حقیقت قرار می‌گرفت. استاد ما از این شکافی که در خودی‌ها حس می‌کنیم احساس بی‌خودی داریم ما داریم دق می‌کنیم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همانطور که عرض شد این موضوع، موضوعی نیست که بخواهیم با چند جمله آن را تمام شده بدانیم و اتفاقاً در آن نامه و یا مقاله مفصلی که در اسفندماه چند سال قبل مربوط به آینده نوشتند و واژه «جهان بین دو جهان» را به میان آوردند؛ ما یافتیم که می‌توان از طریق توجهات خود آقای دکتر داوری به جای حضور در جهانِ توسعه یافته که در نوشته های اخیرشان بیشتر به آن پرداخته اند، به جهان بین دو جهان فکر کرد. متن نامه و مباحثی که پیش آمد در ابتدای کتاب «انقلاب اسلامی، طلوع جهان بین دو جهان» موجود است و اینجا است که می‌توان متوجه بود ما در حضوری خود را تعریف کرده ایم که ممکن است آقای دکتر داوری این حضور را برای خود به جهت مخاطبان و موقعیت خود ممکن ندانند. هرچند که اگر در آن نامه ملاحظه کنید آن حضور را مدّ نظر دارند. حال آیا اینکه در آن مقاله فرمودند: «من شکست خورده ام» جایگاهش کجاست، باید به اندیشه نشست و این جا است که ملاحظه فرمودید در جواب سوالهای رفقا عرض شد ما تعریف دیگری از خود در نسبت با انقلاب برای خود داریم. آری! باز باید به اندیشه نشست. موفق باشید